

حرکت از ساعت خوش به خنده بازار

در دهه 70 طنز رادیو و تلویزیونی یا به گفته بهتر بخش‌های طنز که با نگاه و رویکردی تخت و یک بعدی ساخته می‌شد ، بتدریج دچار تغییر و تحولاتی شد و ورود سلیق و نگاه‌های جدید باعث شد پس از گذر دو دهه، آن مقطع را دوره طلایی آیتم‌های طنز بدانیم.



جام جم آنلاین: در دهه 70 طنز رادیو و تلویزیونی یا به گفته بهتر بخش‌های طنز که با نگاه و رویکردی تخت و یک بعدی ساخته می‌شد ، بتدریج دچار تغییر و تحولاتی شد و ورود سلیق و نگاه‌های جدید باعث شد پس از گذر دو دهه، آن مقطع را دوره طلایی آیتم‌های طنز بدانیم.

در میان مجموعه‌های آیتمی که از آغاز دهه 70 در تلویزیون رواج پیدا کرد و به برنامه پرتعداد شبکه‌ها شد می‌توان به برنامه‌هایی همچون نوروز 72، ساعت خوش، پرواز 57 و... اشاره کرد.

ویژگی مهم این مجموعه‌ها که بخصوص در ساعت خوش نمود پیدا کرد حضور گروهی جدید از بازیگران طنز بود که هرچند در این رسانه ناشناخته، اما همه دانش‌آموخته رشته‌های مختلف هنری بودند و می‌دانستند قصد انجام چه تجربه‌ای را در عرصه طنز دارند؛ بازیگرانی که اغلب بجز هنرنمایی در قالب شخصیت‌های مختلف، کار نویسندگی بخش‌های گوناگون را نیز به عهده داشتند یا مثل مهران مدیری، هم بازیگر بخش‌های خاطره ساز بود هم کارگردانی کار را به عهده داشت.

مدیري همچون دیگر بازیگران خوش ذوق این مجموعه، دو جنس شخصیت مختلف ایفا کرد که این تجربه می‌تواند برای یک بازیگر، چالشی خاص محسوب شود آن‌هم در عرصه تلویزیون.

حضور در تیپ‌های و جدید که نمونه و مشابهی در مجموعه‌های ایرانی یا به گفته بهتر خاطره ذهنی مخاطب ایرانی نداشتند، نخستین چالش بازیگران این مجموعه بود.

نقش‌هایی مثل یک فرمانده ارتش ناکجاآباد که تفرعن و غرورش با تکیه بر جنس بازی اغراق‌آمیز مدیری خاطره او را در ذهن مخاطب ثبت کرد یا یک پزشک بیماران روحی - روانی که تیک‌های بیمارانش را درمان می‌کرد و در انتها معلوم می‌شد همه تیک‌ها به خود پزشک منتقل شده که بازی بیرونی خاصی را می‌طلبید.

یکی از جسورانه‌ترین بخش‌های این برنامه با بازی مرحوم داوود اسدی تلفیقی بود از هنر بازیگری و حرکات موزون و نمایشی آن هم با تکه‌ای پارچه که در هر بخش متناسب با موسیقی پخش شده، حکم مولفه خاص آن فرهنگ یا جغرافیا را پیدا می‌کرد، مثل شنل سرخ گاو‌بازها که همزمان با موسیقی اسپانیولی با حرکات نمایشی نرم و روان همان فضا و موقعیت را تداعی می‌کرد و در تلفیق با جنسی دیگر از موسیقی به مولفه‌ای دیگر تبدیل می‌شد.

جنس دیگری از کاراکترهای نمایشی که توسط بازیگران این مجموعه با هوشمندی به تصویر درآمده و به قطب تعیین‌کننده و محبوب این برنامه طنز تبدیل شد، شبیه‌سازی تیپ‌ها و شخصیت‌های آشنا و محبوب بود.

شخصیت‌های حقیقی که مخاطب با تصویر، نوع حرف‌زدن و رفتارهای آنها در قالب برنامه‌های تعریف شده آشنا بود. در این شبیه‌سازی‌ها مخاطب نه لزوماً به دنبال تماشای همان تصویر محض، بلکه در پی ویژگی‌های شخصیتی بود که با نگاه طنز و هنر بازیگری برجسته شده بود.

در این بخش محبوب، بخش‌هایی مثل شوخی با برنامه‌های سلام صبح بخیر، مسابقه هفته، هنر هفتم و... در کنار شبیه‌سازی کاراکترهای خارجی مثل کارآگاه درک و... مورد استقبال بسیاری قرار گرفت که مهم‌ترین دلیل اغراق در بازسازی ویژگی‌هایی از شخصیت بود که در نگاه اول معمولی به نظر می‌آمد، اما در این شبیه‌سازی با هوشمندی نویسنده و بازیگر به موتیف‌های رفتاری معنادار و طنزهای هوشمندانه تبدیل شد.

نمونه برجسته این شبیه‌سازی که مهارت و هنر بازیگر را در بازسازی شخصیت‌های مختلف به رخ کشید، شوخی با کاراکتر مرحوم منوچهر نودری، مجری مسابقه هفته و همچنین اکبر عالمی، مجری برنامه هنر هفتم بود که مهران مدیری هر دو را ایفا کرد.

مدیري برای ایفای نقش مرحوم نودری در اولین مرحله با تکیه بر گریم برای نزدیک شدن به فیزیک ظاهری کاراکتر، نوع حرکت،

ایستادن و در نهایت شیوه بیان و حرف زدن به گونه‌ای در قالب نقش فرو رفت که طنز گزنده و حاضر جوابی‌های مرحوم نوذری با عبور از فیلتر طنزهای او به گونه‌ای دلپذیر و شیرین شد.

حضور در نقش مجری جدی و متخصص برنامه سینمایی هنر هفتم، چالشی دیگر برای بازیگری بود که به نظر می‌آمد هر نقش و کاراکتری را آنچنان مال خود می‌کند که می‌تواند سمپاتی بیشتری نسبت به شخصیت اصلی داشته باشد.

ایفای نقش عالمی که ابتدای برنامه به معرفی اولیه یک فیلم خارجی و برجسته سینمای جهان می‌پرداخت و پس از آن هم فیلم را نقد و بررسی می‌کرد، مهارت‌های دیگری از بازیگری را می‌طلبید.

در این نقش، بازیگر امکانی برای حرکت و مانور دادن روی فیزیک خود نداشت، بلکه آنچه مهم بود نحوه بیان و تکیه بر اصطلاحات و کلماتی بود که مولفه‌های معنادار این مجری - کارشناس در نقد و بررسی سینمایی فیلم‌ها بود.

در واقع از فیلتر مدیری بود که جدول امتیازبندی فیلم‌ها یا اصطلاحاً استناد به ستاره‌های اعطا شده به یک فیلم برای ارزشگذاری، تبدیل شد به موتیف‌های معناداری که چه بسا در شکل معمول و عادی طنز ویژه‌ای نداشت، اما با مکث‌های بازیگر و برجسته کردن نقاط اوج و فرود متن، با یک شوخی بامزه ظهور یافت.

ویژگی مهم دیگر این بخش‌های طنز که بیشتر درونی و مفهومی بود، نوع نگاه به طنز و مضامین جدی در قالب طنز بود؛ نوع نگاهی که تا پیش از این به واسطه زاویه دید تربیت شده در دهه 60 تابع نگاه سیاه و سفید به آدم‌ها، موقعیت‌ها، مفاهیم و مضامین بود و در واقع یک خط‌کشی مستقیم و از پیش تعیین شده مبنای قضاوت قرار گرفت.

رویگرد به ساختار و فرم‌های روایی جدید در قالب بخش‌های مختلف این برنامه یکی دیگر از ویژگی‌های ساعت خوش بود. آیتم‌هایی که گاه بشدت فرم‌گرا و تابع اجرا و تلفیقی از وجوه مختلف هنری بود و گاه شیوه روایت و ورود به قصه، این ویژگی ساختارمندانه را به آن بخش می‌داد.

همین تنوع در فرم، اجرا، تصویر و کنار هم قرار گرفتن طیفی گسترده از ساختارهای فرمی و روایی که می‌توانست سلیق مختلف را به نوعی جوابگو باشد، باعث شد این مجموعه به مفهوم واقعی کلمه بخش‌هایی متفاوت و متنوع را در بر بگیرد.

به این ترتیب بود که ساعت خوش به عنوان گل سرسبد مجموعه بخش‌های طنزی که ساختار یکدست برنامه‌های تلویزیون را در آن مقطع شکست، توانست راهی به دل مخاطب باز کند و ماندگاری آن تا امروز یادآور همین تأثیرگذاری عمیق است.

هرچند بخش‌های طنز در طول دهه 70 دوره آزمون و خطا را طی کرده و به نوعی بلوغ زودرس رسید اما همین سرعت در شکستن مرزهای از پیش تعیین شده و بروز خلاقیت‌هایی که تا پیش از این کمتر فرصتی برای بروز داشت، باعث شد با رسیدن به یک نقطه ثبات - که حاصل تجربه‌های افرادی بود که در شکل دادن به این مسیر نقش داشتند - به نوعی قالب بخش‌های طنز به نقطه‌ای محتوم برسد؛ نقطه‌ای که به نظر می‌آمد تنها در صورت بروز خلاقیتی جدید می‌تواند از مسیر تکرار خارج شود.

این فرضیه و تحلیل وقتی به واقعیت پیوست که در دهه 90 رجوعی دوباره به آیتم‌های طنز این دوره شد اما با همان نگاهی که برای دهه 70 مدرن و پیشرو بود، اما حالا برای دهه 90 کهنه و نخ نما و امتحان پس داده به نظر می‌آمد.

در واقع آنچه امتیاز بخش‌های طنز موفق همچون ساعت خوش در دهه 70 بود بدون کوچک‌ترین تغییری در ماهیت وارد برنامه «خنده‌بازار" شد بی‌آن‌که این قالب امتحان پس داده حرفی جدید برای گفتن داشته یا واجد نگاه و تفکری جدید باشد.

مهم‌تر از همه این‌که لزوماً شوخی با برنامه‌های جدید و روز تلویزیون نمی‌تواند ویژگی به روز بودن را به چنین قالبی بدهد.

ساعت خوش علاوه بر اثبات نوع نگاه خلاقانه‌ای که در شکل‌گیری کلیت برنامه و بخش‌های مختلف آن وجود داشت - و این برنامه را بعد از گذر دو دهه خاطره‌انگیز کرد - گروهی از بازیگران خوش ذوق و دانش آموخته را به دنیای بازیگری معرفی کرد. دریچه‌ای جدید

همان‌طور که در دهه 70 نگاه خاکستری به شخصیت‌ها و موقعیت‌های نمایشی در سینما خودنمایی کرد، این نگاه کمی دیرتر وارد مجموعه‌ها و برنامه‌های جدی تلویزیون شد.

در این مجموعه، بخش‌های طنز دیگر بنا نبود بد و خوب، سیاه و سفید، دروغ و راست لزوما مطابق با الگوهای آشنا و معمول نمود پیدا کند و از همه مهم‌تر این‌که قرار نبود همه قصه‌ها و موقعیت‌ها به نتیجه‌گیری اخلاقی و پایان‌های محتوم منجر شود.

این ویژگی بخصوص در دوره‌ای اهمیت دارد که طنز تلویزیونی محدود به برنامه #171؛ آقاي اقتصادي»؛ در تلویزیون و #171؛ صبح جمعه با شما»؛ در رادیو بود. برنامه‌هایی که نوک پیکان انتقاد را متوجه رویه سطحی تفاوت‌ها می‌کرد و طبعاً نتیجه‌گیری‌ها و سرانجام آنها از پیش مشخص بود.

در این نوع نگاه قشر صاحبخانه یا طبقه مرفه همیشه به يك شیوه حرف می‌زد، رفتار می‌کرد، لباس می‌پوشید و در نقطه مقابل آنها مستأجر یا طبقه فرودست نیز شناسنامه‌ای مشخص داشت. تعامل میان این اقشار نمی‌توانست به چیزی جز ذکر مکررات منجر شود.

اما در این نگاه جدید، گاه جای تیپ‌ها و کاراکترهای آشنا و کلیشه‌ای به‌گونه‌ای جابه‌جا می‌شد که نه تنها قابل شناسایی نبودند، بلکه پایان و نتیجه تعامل میان آنها غیرقابل پیش‌بینی و غافلگیرکننده بود. در این رویکرد به‌عنوان مثال قشر مستأجر لزوما قشر ضعیف و مظلوم و زبردست نبود، بلکه به‌واسطه نوع‌کنش و واکنش‌ها اتفاقاً قطب تعیین‌کننده و قدرتمند ماجرا می‌شد.

همچنین این وجه که لزوما قرار نیست هر بخش یا موقعیت نمایشی به تصویر درآمده با نوع نگاه طنز منجر به يك پیام اخلاقی یا شعار آشنا و گاه تکراری شود که مخاطب بارها در قالب شوخی، جدی، داستان، انیمیشن و... با آن مواجه شده بود، خود به خود باعث شد این برنامه سمپاتی خاصی برای مخاطب پیدا کند؛ چراکه احساس می‌کرد این بار از يك زاویه و دریچه جدید به همراهی با يك اثر نمایشی ترغیب شده و سطوح جدیدی از سلیقه او مورد توجه قرار گرفته است. (جام جم - ضمیمه قاب کوچک)

سحر عصرآزاد